

# نهضت های اسلامی و جهان اسلام؛ واقعیت ها و چالشها

نویسنده: محمداکرام اندیشمند

10-04-2012

## - 4 -

### جهان اسلام و مسلمانان در دنیای امروز :

جهان اسلام از نظر جغرافیایی شامل منطقه خاورمیانه (کشورهای عربی آسیا به شمول سوریه)، آسیای میانه و جنوب آسیا (افغانستان، پاکستان، اریکستان، ترکمنستان، تاجکستان، قیرغیزستان، بنگله دیش، مالدیو و بخش هایی از قزاقستان و هندوستان)، آسیای جنوب شرقی (اندونیزیا، مالیزیا و برونئی)، حوزه قفقاز (آذربایجان، چیچین و داغستان)، حوزه بالکان (بوسنی و هرزگوین، البانیا و شبه جزیره کریمه)، شمال افریقا (مصر، الجزایر، لیبیا، تونس، مراکش، موریتانیا و جمهوری عربی صحرا)، افریقای مرکزی

(سنگال، گینه، نایجریا، گامبیا، چاد، مالی، سودان، بورکینا فاسو، ساحل عاج و سیرالیون)، و حوزه شرق افریقا (جیبوتی، سومالی، ارتیریا، اتیوپی، تانزانیا و جزایر کومور) میشود. اما مسلمانان در بیرون از این حوزه های جغرافیایی در کشورهای مختلف دنیا نیز زندگی میکنند.

جهان اسلام از نظر موقعیت جغرافیایی و وجود منابع انرژی در دنیای امروز بسیار با اهمیت است. بیشتر از هفتاد درصد ذخایر نفت جهان و پنجاه درصد ذخایر گاز در سرزمین های اسلامی قرار دارد. کشورهای نفت خیز مسلمان در خلیج فارس 66 درصد کل ذخایر نفت و 30 درصد ذخایر گاز جهان را دارند. این حوزه 25 درصد نفت خام جهان را تولید میکند. در حالی که گاز ترکمنستان نیز ذخایر بزرگ گاز جهان را میسازد. ارزش سالانه ی مبادلات کالا در کشورهای اسلامی تا یک هزار میلیارد دالر میرسد.

جمعیت مسلمانان جهان مبتنی بر آمار سال 2008 عیسوی به بیشتر از یک میلیارد و سیصد هزار مسلمان میرسد که در 208 کشور جهان به سر میبرند. شصت درصد مسلمانان جهان در قاره آسیا و بیست درصد در قاره افریقا و شرق میانه زندگی دارند. بیش از سیصد میلیون مسلمان در کشورهای مختلف به عنوان اقلیت های اجتماعی و مذهبی سکونت دارند. در قاره اروپا 38 میلیون مسلمان زندگی میکنند که پنج درصد نفوس اروپا و دو درصد جمعیت مسلمانان جهان را تشکیل میدهند. و در ایالات متحده امریکا بیش از پنج میلیون مسلمان زندگی میکنند که 0,9 درصد جمعیت امریکا را میسازند. از میان مجموع جمعیت مسلمانان جهان ده تا 13 درصد آن مسلمانان شیعه مذهب و 87 تا 90 درصد سنی مذهب اند. در حالی که مسلمانان جهان در مناطق متفاوت و مختلف جغرافیایی زندگی میکنند، آیا دنیای اسلام و جوامع مسلمان با داشتن دین واحد و معتقدات مشترک دینی دنیای واحد و جامعه همسو و یکپارچه محسوب میشوند؟

### وحدت دنیای اسلام و اتحاد کشورها و جوامع مسلمان:

بسیاری از جریانهای اسلام گرایی و احزاب اسلامی از امت واحد اسلامی و وحدت مسلمانان سخن میگویند، یا نیاز به وحدت و تحقق آنرا در محور اسلام امر عملی و دست یافتنی تلقی میکنند. حتا دولت ها و زمام داران در کشورهای اسلامی گاهی شعار وحدت و برادری مسلمانان و اتحاد دنیای اسلام را سر میدهند و در کنفرانس های رسمی و میزهای مذاکره به این برادری و یکپارچگی جهان اسلام انگشت میگذارند. آیا واقعاً چنین است؟ آیا مسلمانان متحد هستند و دنیای اسلام دنیای واحد به شمار میرود؟

شاید پاسخ این سوال را بتوان در این اظهار نظر مارشال هاجسون Marshall Hodgson کارشناس آمریکایی مطالعات اسلامی دریافت کرد که می گوید در دوصد سال گذشته چیز جداگانه ای به نام جهان اسلام وجود نداشته است. جهان اسلام در این مدت از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی وابسته به اروپا و امریکا است.

البته واقعیت چنین است. نه تنها جهان اسلام و مسلمانان در دنیای معاصر نقش و تأثیری در تحولات سیاسی و اجتماعی و پیشرفت های علمی جهان ندارند بلکه دگرگونی و تحولات درونی جوامع و کشورهای آنها متأثر از جوامع و کشورهای مسیحی غربی است. جهان اسلام حتا از لحاظ فرهنگی و دینی دنیای یکصدا و همسو نیست.

سازمان کنفرانس اسلامی Organisation of Islamic Cooperation (OIC) بزرگترین نهاد رسمی دنیای اسلام است که در جهت اتحاد کشورهای اسلامی در می 1971 ایجاد شد. این سازمان به شمول فلسطین 57 عضو دارد که شامل 21 کشور اسلامی عرب آسیایی و افریقایی، هژده کشور مسلمان افریقایی، چهارده کشور مسلمان آسیایی، یک کشور اروپایی البانیا و سورینام کشوری از قاره امریکا میشود.

اما سازمان کنفرانس اسلامی که در ظاهر و بر مبنای اهداف رسمی خود مظهر همسویی و وحدت کشورهای اسلامی و در واقع مرجع حل مشکلات دنیای اسلام و مسلمانان است عملکرد آن حکایت از این همسویی و مرجعیت ندارد. سازمان مذکور برغم ظرفیت های تأثیر گذار کشورهای اسلامی از منظر موقعیت جغرافیایی و منابع معدنی نقش و جایگاه در مناسبات قدرت جهان نداشته است. این سازمان هیچگاه بر مبنای اهدافش نه همسویی و وحدت کشورهای اسلامی را تأمین کرد و نه به هیچ مؤفقیتی در حل معضلات مسلمانان جهان دست یافت. نه مشکل فلسطین را حل کرد، نه به داد مسلمانان بوسنی و هرزگوین رسید، نه جلو حملات نظامی دولت های غربی و شرقی را بر کشورهای اسلامی و جوامع مسلمان گرفت و نه کارآیی و مؤثریت خود را در بحران ها و مشکلات دنیای اسلام و مسلمانان نشان داد.

ناتوانی سازمان کنفرانس اسلامی و در مجموع ضعف و ناکامی کشورهای اسلامی و جوامع مسلمانان ریشه در کجا دارد؟ معضل دنیای اسلام و مسلمانان چیست؟ چالش های جهان اسلام کدام ها هستند و واقعیت های نهفته در آن را چه چیزی تشکیل میدهد؟

### 1- تفرقه و تعارض درونی:

دینای اسلام برخلاف نام واحدی که حکایت از دین واحد دارد، دنیای تفرقه و تعارض داخلی است. طیف گوناگونی از اندیشه و باورهای اسلامی در عرصه های مختلف حیات از عرصه مذهبی و فقهی تا عرصه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جهان اسلام وجود دارد.

اختلاف و تعارض شیعه و سنی چه از منظر مذهبی و چه از زاویه سیاسی بسیار عمیق و گسترده است. علی رغم هر گونه تظاهر به کتمان این اختلاف، اسلام شیعه و سنی دو دنیای جدا گانه و

متفاوت از هم اند. اختلاف شیعه و سنی اختلاف فرعی و کوچک نیست. این اختلاف بر سر اصول اسلام است. بر سر وحی الهی به پیغمبر اسلام(ص) که اولین مرجع دینی شمرده می شود. حتا احزاب افراطی اسلامی سنی چون القاعده و گروه های مشابه آن، شیعه و احزاب شیعه را مسلمان تلقی نمیکنند و آنها را واجب القتل می شمارند. ابومصعب زرقاوی فرمانده القاعده در عراق که در جون 2006 عیسوی کشته شد در فبروری سال 2004 گفت: "خطر شیعه بزرگتر از خطر امریکایی ها است. و یگانه راه دست زدن به انفجارات پی در پی میان آنها است تا مطیع شوند." آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران تحریک اسلام طالبان افغانستان را در جولای 1998 عیسوی پس از قتل دیپلماتهای ایرانی در مزار شریف یک گروه جاهل و بی خبر از اسلام خواند؛ اما ملامحمد عمر رهبر طالبان در پاسخ گفت که شیعه های حاکم ایران نه نزد کفار و نه نزد مسلمانان، مسلمان حساب نمیشوند.

چندگانگی دنیای اسلام در عرصه نظام سیاسی یکی دیگر از جنبه های تفرقه و تعارض دنیای اسلام است. در دنیای امروز اسلام، نظام های متفاوت سیاسی و زمام داران مختلف با سیاست و عملکرد ناهمسو حاکمیت دارند. نظام های حاکم سیاسی دنیای اسلام نه تنها متفاوت از هم هستند، حتا جنبش های سیاسی اسلام یا اسلام گرایی که در صدد تشکیل حاکمیت اسلامی هستند تصویر متفاوت از نظام سیاسی ارائه می کنند. علی رغم آنکه آرزوی تشکیل دولت و نظام اسلامی و بازگشت به عظمت اسلامی دوران صدر اسلام آرزوی مشترک بسیاری از جریانهای اسلام گرایی است.

آیا میان تعبیر و قرائت تحریک اسلامی طالبان افغانستان و بسیاری از گروه های مشابه اسلامی در کشورهای مسلمان که به زن حق تعلیم و کار در بیرون منزل نمیدهند و انتخابات را نا مشروع می پندارند با احزاب اسلامی دیگری که نقطه مقابل آنها اسلامی و شرعی تلقی می کنند همسویی وجود دارد؟ آیا جریان های افراطی و تکفیر گرای اسلامی که کشتار و انتحار را جهاد در راه اسلام تلقی میکنند با جریان نوگرایی و میانه رو اسلامی که با دموکراسی و انتخابات همسویی نشان میدهند یکسان هستند؟

اختلاف بر سر اراضی و مرزها یکی از اختلافات جدی شماری از کشورهای اسلامی شمرده میشود که منازعات بسیار خونینی را نیز در پی داشته است. هرچند این اختلاف زاینده ی دوران استعمار اروپایی در قرن نوزدهم و بیستم تلقی میشود، اما مسلمانان نتوانستند به راه حل مسالمت آمیز این اختلافات دست یابند. صرف نظر از عوامل دیگری که موجب اشتعال آتش جنگ میان کشورهای مسلمان در نیمه دوم قرن بیستم شد، اختلاف مرزی و ارضی در ظاهر عامل اصلی جنگ های خونین مسلمانان و کشورهای اسلامی با هم بود. جنگ هشت ساله میان عراق و ایران در دهه هشتاد، جنگ و در واقع تجاوز نظامی دولت عراق به رهبری صدام حسین علیه کویت، جنگ میان کشورهای مراکش و الجزایر در سال 1963، اختلاف مزمن بر سر مرز دیورند میان افغانستان و پاکستان، اختلافات مرزی و ارضی میان ایران و امارت متحده عربی بر سر سه جزیره در خلیج فارس و . . . نمونه هایی از اختلاف متذکره هستند.

از لحاظ تعلقات ملی، قومی، زبانی و نژادی نیز تفرقه های شدیدی در جهان اسلام وجود دارد. این افتراق و اختلاف هم در میان کشورها و ملت های مختلف مسلمان چون: عرب، بربر، ترک، فارس، کرد، و غیره موجود است و هم میان ملت ها و اقوام مختلف در داخل کشورها و جوامع مسلمان توأم با منازعه و خصومت سایه افکنده است.

درحالی که تفرقه و اختلاف در میان مسلمانان و دنیای اسلام یک امر بدیهی است، نکته اصلی قابل پرسش و بحث بر سر انگیزه ها و ریشه های این اختلاف بر میگردد. انگیزه و عوامل این تفرقه چیست؟ آیا این ناهمسویی و اختلاف جهان اسلام و مسلمانان قابل حل است؟

## ریشه ها و انگیزه های اختلاف درونی مسلمانان :

ریشه های اختلاف درونی مسلمانان که یک اختلاف تاریخی و دوام دار است در گام نخست به مؤلفه ها و زمینه هایی در داخل تاریخ اسلام و جامعه مسلمانان بر میگردد؛ علی رغم آنکه عوامل مختلف بیرونی در این تفرقه تأثیر گذار است. هرچند بسیاری از جریان های اسلام گرایی و به ویژه جریانهای افراط گرا و ستیزه جوی اسلامی نقش عوامل خارجی و به خصوص نامسلمانان را در تفرقه و خصومت درونی مسلمانان برجسته میکنند و آنرا عامل اصلی تلقی میکنند، اما این دیدگاه در بسا موارد واقعیت های تفرقه ی درونی مسلمانان را بر نمی تابد.

در نگاه به اولین مؤلفه ی درونی اختلاف، تعبیر و برداشت متفاوت مسلمانان و در واقع نخبگان و علمای مسلمان در طول تاریخ اسلام از نصوص و منابع اسلامی نمایان می شود. آیا این تعبیر و برداشت متفاوت به فهم و درک متفاوت نخبگان و علمای دینی و دیدگاه مختلف آنها از نصوص و منابع بر میگردد و یا وجود تفاوت در این منابع منتج به تفرقه و ناهمسویی می شود؟ پاسخ به این پرسش و بیرون رفت از معضلی برخاسته از آن در میان مسلمانان و جوامع اسلامی امر دشوار است. دشواری این امر به این نکته بر میگردد که چگونه میتوان این معضل را در عوامل و زمینه های اصلی اختلاف و افتراق بر طرف ساخت؟

اگر معرفت و درک یکسان از تعالیم و احکام دینی در رویکرد به نصوص و منابع اسلامی و سپس توافق بر سر تمامی مسایل، راه حل این معضل باشد، چنین راه حلی دست نیافتنی به نظر میرسد. زیرا نه تنها که در تاریخ اسلام و مسلمانان این درک و این راه حل شکل نگرفت، بلکه بخشی از تاریخ اسلام از ناهمسازی فهم و معرفت دینی، از برداشت و تفسیر مختلف و متعارض منابع دینی و از باور به تعدد منابع و مراجع دینی به ویژه میان دو فرقه اصلی اهل سنت و شیعه بوجود آمد. اگر دیدگاه و تفسیر متفاوت از نصوص و منابع به عوامل مختلف پیوند داده شود، برخی از نویسندگان و تاریخ نگاران ابهام و اختلاف در منابع را یکی از مؤلفه هایی تلقی می کنند که زمینه را در جهت آرای متفاوت و متعارض هموار می کند.

نکته دیگری که یکپارچگی جهان اسلام را نا محتمل میسازد به تأثیر پذیری مسلمانان از عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی جوامع سنتی و بومی خودشان بر میگردد. جهان اسلام از ملت ها و اقوام متعدد با تاریخ متفاوت، زبان و فرهنگ مختلف تشکیل یافته است. این تنها فرهنگ و آموزه های اسلامی نیست که زندگی مسلمانان را شکل میدهد و دنیای اسلام بصورت همسان از آن متأثر میشوند. عوامل متعدد تاریخی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره بر حیات دنیای اسلام و جوامع اسلامی در طول تاریخ اسلام تأثیر گذاشته اند. تأثیر گذاری و اختلاط ویژگیهای تاریخی و اجتماعی جوامع مسلمان با معارف و آموزه دینی تفاوت های مشهودی را در این جوامع بوجود آورده است.

منافع و مصالح متفاوت کشورهای اسلامی، ملت ها و اقوام مسلمان در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عامل دیگر در جدایی و ناهمسویی جهان اسلام و جوامع مسلمان است. در واقع اتحاد و افتراق میان کشورهای اسلامی و دولت های شان بر مبنای همان منافع مختلف شکل می گیرد.

## 2- عقب ماندگی :

عقب ماندگی در تمام عرصه های حیات از دنیای غرب و در واقع جهان مسیحیت یکی از واقعیت ها و چالش های اصلی دنیای اسلام و مسلمانان است. در حالی که مسلمانان در سده های تاریک

میانه تمدن و اقتدار داشتند و این تمدن یکی از عوامل ظهور رنسانس در اروپا و جهان غرب بود، چرا مسلمانها پس از آن در تمام عرصه های حیات از دنیای غرب عقب ماندند و بخش بزرگی از دنیای اسلام در استیلا و اشغال کشورهای غربی قرار گرفت؟

علی رغم آنکه تا آغاز نیمه دوم قرن بیستم عیسوی بسیاری از کشورهای اسلامی به استقلال سیاسی دست یافتند اما هرگز نتوانستند به عنوان جوامع و کشورهای مستقل در عرصه های مختلف حیات در جهان تبارز کنند. کشورهای اسلامی همچنان پس از استقلال در ورطه ی پسمانی های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گرفتار ماندند و نتوانستند خود را از این ورطه بیرون کنند.

میزان عقب ماندگی در دنیای اسلام بسیار ژرف و گسترده است. در حالی که جمعیت مسلمانها در جهان امروز به بیش از یک میلیارد تن می رسد اما نقش مسلمانها در تمدن امروز بشر بسیار ناچیز و حتا نامشهود است. تمام آثار و محصولات امروز در عرصه های مختلف حیات انسانی از پیشرفت در عرصه طب و طبابت تا تکنولوژی و میدان دانش علوم انسانی و اجتماعی متعلق به جوامع غربی و مسیحی است. از میان جمعیت مسلمانان جهان هشتصد هزار آن بی سواد هستند. در میان بی سوادان، زنان بیشترین قشر بی سواد را در کشورهای اسلامی تشکیل میدهد. به حدی که در بسیاری از کشورهای اسلامی بیش از هشتاد درصد زنان بی سواد هستند. در میان جمعیتی بیش از یک میلیارد مسلمان جهان تعداد دانشگاه ها در سال 2006 عیسوی به بیشتر از پنجد دانشگاه میرسید. در حالی که هند در این سال بیشتر از 8500 دانشگاه و ایالات متحده امریکا بیش از 5758 دانشگاه داشت. در دنیای اسلام تنها بیشتر از دو در صد جمعیت آن میتوانند جهت تحصیلات وارد دانشگاه شوند اما در جوامع دیگر این آمار بالا است. نکته ی شگفت آور این است که جوامع اسلامی و مسلمانان نسبت به اسلام به عنوان دین خود در ناآگاهی و بی سوادی به سر میبرند. اکثریت مسلمانان جهان از معنی و مفهوم آنچه که در ادای عبادت و فریضه ی روزانه (نماز) انجام میدهند چیزی نمیدانند.

بسیاری از کشورهای اسلامی در فقر و عقب ماندگی به سر میبرند و شماری هم فقیر ترین کشورهای جهان را تشکیل میدهند. فقیر ترین کشورهای دنیا ایتوپیا، سرالئون، افغانستان، کمبودیا، سومالیا، نیجریه، پاکستان و موزمبیق است که شش کشور فقیر دنیا، کشورهای اسلامی هستند. از میان کشورهای اسلامی عضو کنفرانس اسلامی درآمد سرانه ی 45 کشور کمتر از یک هزار دالر امریکایی است، این در حالی است که کشورهای اسلامی از لحاظ موقعیت جغرافیایی و منابع معدنی چون انرژی بسیار با اهمیت شمرده میشود.

### 3- وابستگی :

وابستگی کشورهای اسلامی و جوامع مسلمان به دنیای غرب در بسیاری از عرصه های زندگی یکی دیگر از چالش ها و واقعیت های نهفته در دنیای اسلام است. این وابستگی نه تنها پهنه های اقتصادی، نظامی و علمی را در بر می گیرد، بلکه شامل امنیت و حقوق انسانی و اجتماعی و شامل استقلال سیاسی و تمامیت ارضی شماری از کشورها و جوامع مسلمانان می شود. به این معنی که برخی از کشورهای اسلامی و جوامع مسلمان در حفظ استقلال، تمامیت ارضی، امنیت و حقوق انسانی و اجتماعی شان اتکا به همکاری و حمایت غرب دارند. این پرسش که آیا کمک و حمایت غرب در این مورد تا چه حد به نفع جوامع و کشورهای اسلامی است و یا غربی ها از این حمایت چه اهدافی را در سر می پروراند، بحث جداگانه نیاز دارد. اما آنچه که عیان است دنیای اسلام و کشورهای اسلامی با تمام توان و امکانات خود و ادعای دین واحد و برادری اسلامی نه تنها قادر به حل معضل امنیتی و تأمین حقوق انسانی و اجتماعی شماری از جوامع و ممالک اسلامی نیستند، بلکه خود از لحاظ امنیتی در وابستگی به کشورهای غیر مسلمان به سر میبرند.

نکته‌ی شگفت‌آور این است که بعضی از ثروتمندترین کشورهای مسلمان به خصوص کشورهای نفت خیز عربی که مهد ظهور اسلام هستند با حضور نظامی امریکا در خاک و آب خود احساس امنیت میکنند. امروز ایالات متحده امریکا در کشورهای اسلامی و عربی: عربستان سعودی، کویت، بحرین، عمان و قطر پایگاه و نیروی نظامی دارد. نمونه‌های بیشتری از وابستگی کشورها و جوامع مسلمان در عرصه امنیت، استقلال، تمامیت ارضی و حتی حقوق مدنی و اجتماعی به کشورهای غربی قابل مشاهده و مطالعه است. جامعه کرد عراق و کشور کویت در دهه‌ی نود قرن بیستم عیسوی، کشور مسلمان بوسنیا هرزگووین و جامعه مسلمان کوسو شامل این نمونه‌ها میشوند. وابستگی افغانستان به کشورهای غربی به خصوص ایالات متحده امریکا در عرصه‌های مختلف اقتصادی و امنیتی روشن‌تر از آن است که در موردش چیزی گفت. حتی اگر فردا نیروهای نظامی امریکا و کشورهای غربی به عنوان نیروهای اشغالگر خاک افغانستان را ترک گویند، افغانستان بدون دریافت کمک‌های اقتصادی و مالی آن کشورها و کشورهای نامسلمان دیگر صاحب دولت و تشکیلات نظامی و امنیتی نخواهد بود.

کشورهای بزرگ و مهم اسلامی پاکستان و مصر نیز در وابستگی‌های معینی به ایالات متحده امریکا و دنیای غرب به سر می‌برند. وابستگی پاکستان به ایالات متحده امریکا در طول بیش از نیم قرن تشکیل این کشور به حدی است که احمد رشید نویسنده و پژوهشگر پاکستانی اضمحلال پاکستان را با گسست این وابستگی پیش بینی میکند. او در تازه‌ترین تألیف خود "پاکستان در پرتگاه: آینده امریکا، پاکستان و افغانستان" به تحلیل این نکته می‌پردازد. پایگاه نظامی و حضور نیروهای نظامی امریکا و غرب در کشورهای اسلامی دیگر چون ترکیه، آذربایجان و غیره نیز در واقع حکایت از وابستگی هر چند متفاوت این کشورها دارد.

#### 4- ناتوانی و درماندگی :

درماندگی و ضعف در حل مشکلات و منازعات کشورها و جوامع مسلمان و رفع نیازمندیهای مختلف حیات، چالش و واقعیت دیگر در دنیای اسلام است. کشورهای اسلامی در طول نیم قرن اخیر نتوانستند حتی یک مشکل داخلی خود را در عرصه‌های امنیتی، اقتصادی و اجتماعی حل کنند. دنیای اسلام در این دوره شاهد حوادث و معضلات بزرگی بود. اشغال فلسطین توسط اسرائیل، معضل کشمیر، حمله نظامی شوروی بر افغانستان، جنگ خونین هشت ساله میان عراق و ایران، تجاوز و کشتار مسلمانان بوسنی و کوسوو توسط صرب‌ها، جنگ در سودان، اشغال کویت توسط دولت عراق، جنگ افغانستان و دخالت کشورهای مسلمان همسایه در دهه نود، حمله نظامی امریکا بر افغانستان و عراق در آغاز سده بیست و یکم، شورش‌های مردم در بعضی کشورهای عربی و جنگ لیبیا و سوریه در پیامد آن بخشی از حوادث خونین جهان اسلام در نیمه دوم قرن بیستم و آغاز قرن جدید شمرده میشود.

ملت‌ها و اقوام مختلف مسلمان در کشورهای مختلف اسلامی و غیر اسلامی چون: کردها، کشمیریها، بلوچ‌ها، تاتارها، اویغورها و غیره در جهت آزادی و استقلال خود با دولت‌ها در مبارزه و ستیز به سر می‌برند. اما کشورهای اسلامی و دنیای اسلام نتوانسته‌اند تا راه حلی به این منازعات پیدا کنند.

روشن‌ترین نمونه‌ی درماندگی و ناتوانی دنیای اسلام به ویژه جهان عرب و مسلمان که حتی بسیاری از نخبگان و سیاستمداران آنها دین اسلام را دین عربی و هویت ملی خود تلقی میکنند در حوادث سال 2011 قابل مطالعه و مشاهده است. اعتراض و تظاهرات خیابانی مردم در شماری از کشورهای عربی در این سال که بهار عربی نام یافت به جنگ و منازعات خونین میان مردم و زمام‌داران این کشورها انجامید. ولیکن دنیای اسلام و جهان عرب از حل این منازعات عاجز ماندند و

بدتر از آن دست خود را بسوی سازمان ملل و کشورهای غربی (درمورد لیبیا و سوریه) دراز کردند تا با بم و موشک خود مشکلات آنها را حل کنند.

### 5- دوگانگی رفتاری و عملکرد عاطفی:

در بسیاری از جوامع مسلمان دوگانگی شخصیتی و رفتاری و عملکرد عاطفی و احساسی ویژگی آن جوامع را تشکیل میدهد. این ویژگی که هر چند مورد توجه قرار نمی‌گیرد و یا از روی عمد پوشیده باقی میماند بخشی از چالش‌ها و معضلات جوامع اسلامی و مسلمانان است.

رفتار متناقض و دوگانه که همراه با کتمان و تظاهر در میان شمار زیادی از مسلمانان و جوامع مسلمان صورت می‌گیرد به نوعی از ترس و نگرانی آنها بر میگردد. این نگرانی و ترس از یکسو ریشه در عدم آزادی‌های مدنی و اجتماعی دارد و از سوی دیگر ترس از خدشه دار شدن هویت و وجهه‌ی پابندی آنها به اوامر و نواهی دینی در انظار جامعه موجب این تظاهر میشود.

رفتار و عملکرد عاطفی و احساسی درمقایسه با رفتار و عملکرد عقلایی در عرصه‌های مختلف حیات از ویژگی‌های بسیاری جوامع مسلمان در کشورهای اسلامی است. بدون تردید بخشی از عوامل تعارض و افتراق داخلی، نابرده‌باری و ستیزه‌جویی در میان کشورهای اسلامی و جوامع مسلمان ریشه در رفتار و عملکرد عاطفی و احساسی دارد که بازتاب عقلانیت در آن بسیار اندک است.

### 6- استبداد :

درحالی که بسیاری از کشورهای اسلامی استقلال سیاسی خارجی دارند اما مردمشان در داخل از آزادی بهره‌مند نیستند. مسلمانها در وطن خود شان از سوی دولت‌های مستبد و دولتمداران خود کامه و فاسد مورد ستم قرار می‌گیرند. زمام‌داران خود کامه‌ی بعضی از این کشورها حتی درعنوان رئیس‌جمهور بیشتر از پادشاهان مطلق‌العنان فرمانروایی داشته‌اند. سلاطین و امیران حاکم در شماری از این کشورها مردم و مملکت هر دو را ملکیت شخصی خود می‌پندارند. بسیاری از کشورهای اسلامی حکومت دارند اما فاقد دموکراسی هستند. به این معنی که مردم در تعیین حکومت و رهبرانشان نقشی ندارند. در بسیاری از کشورهای اسلامی مردم هنوز رعیت هستند و از پدیده‌ی شهروندی در آن کشورها خبری نیست.

انتخابات آزاد به عنوان راه‌گزینش رهبری دولت و نظام سیاسی در کشورهای اسلامی از یکطرف سابقه ریشه‌دار تاریخی ندارد و از سوی دیگر تدویر انتخابات هم که در سده بیستم در واقع با تأثیر پذیری از غرب متداول شد بیشتر نمایشی انجام میشود.

ازلحاظ تاریخی انتخابات سال 1876 عیسوی در امپراتوری عثمانی برای تدویر شورا یا پارلمان نخستین انتخابات در نوع خود بود. اما این پارلمان پس از یک دوره کوتاه در سال 1878 از سوی سلطان عثمانی منحل شد و نتوانست به عنوان یک نهاد منتخب، استبداد و نظام سلطانی را مهار کند. انتخابات در دولت عثمانی و حتی پس از سقوط این دولت و تشکیل جمهوری سکولار ترکیه نیز چهره‌ی واقعی و دموکراتیک نگرفت. چند بار دولت‌های منتخب و پارلمان منتخب ترکیه از سوی ارتش منحل شد؛ هرچند در نخستین دهه قرن 21 است که ترکیه بسوی انتخابات آزاد حرکت میکند. و جنبش آزادیخواهی که در بهار 2011 عیسوی از تونس آغاز شد و به بهار عرب شهرت یافت شاید از جدی‌ترین حرکت‌های ضد استبدادی در داخل کشورهای اسلامی به خصوص کشورهای عربی باشد. هنوز پیامد و ثمر این بهار ناروشن است. اما چرا جوامع مسلمان و کشورهای اسلامی

نتوانستند نظام سیاسی غیر استبدادی را در کشورهای خود حاکم سازند و میکانیزمی در جهت انتقال قدرت و خلغ زمام داران مستبد و خود کامه ایجاد کنند؟

### 7- تبعیض و بی عدالتی :

تبعیض و بی عدالتی دو پدیده ی گسترده و دو واقعیت ملموس در بسیاری از کشورهای اسلامی است. برغم آنکه در منابع اسلامی به خصوص در قرآن و حدیث به پرهیز از تبعیض و تأمین عدالت تأکید میشود و مسلمانان امت واحد و برادر هم معرفی می شوند؛ اما در کشورهای اسلامی انواع تبعیض و بی عدالتی قابل مشاهده است. از تبعیض قومی و زبانی تا تبعیض مذهبی و اجتماعی و تبعیض نژادی و جنسیتی.

گروه های قومی حاکم در بسیاری از کشورهای اسلامی با اقوام مسلمان دیگر در کشورهای شان برخورد تبعیض آمیز دارند. اقوام معروف و معینی چون: کردها، بلوچ ها، بربرها، آذریها، تاجک ها، هزاره ها، ترکمن ها، و غیره در کشورهای اسلامی از شمال افریقا تا ممالک عربی خاور میانه و از ایران تا افغانستان، آسیای میانه و پاکستان مشمول تبعیض و بی عدالتی دولت ها و زمام داران این کشورها هستند.

جوامع مختلف مذهبی در کشورهای اسلامی از تبعیض مذهبی رنج میبرند. این تبعیض از سوی حاکمان و دولت های متعلق و متمایل به یک مذهب اسلامی بر پیروان مذاهب دیگر اسلامی اعمال میشود. در بسیاری از کشورهای اسلامی که اقتدار دولتی در انحصار اکثریت سنی مذهب قرار دارد، شیعه مذهب تحت فشار و تبعیض زندگی میکنند. به همین گونه در کشور اسلامی (ایران) که مذهب شیعه دولت را بدست دارد با سنی مذهب با بی عدالتی و تبعیض رفتار میشود.

تبعیض و بی عدالتی بر مبنای جنسیت نیز واقعیت دیگری است که در شماری از کشورهای اسلامی به خصوص در میان کشورهای عرب ثروتمند و نفت خیز چون عربستان سعودی وجود دارد. زنان در این کشور و شمار کشورهای دیگر عربی بصورت گسترده مورد تبعیض و بی عدالتی قرار می گیرند. بیش از نود درصد زنان در عربستان سعودی قربانی خشونت خانگی میشوند. همچنان دولت ها و زمام داران این کشورها در برابر ملیونها مهاجر و کارگر مسلمان از کشورهای دیگر اسلامی با تبعیض و بی عدالتی مضاعف رفتار میکنند. مهاجران و کارگران مسلمان کشورهای دیگر در این کشورهای اسلامی عرب برغم ده ها سال اقامت و کار هرگز از حقوق مساوی اجتماعی و انسانی با ساکنان بومی و عرب آن کشور بهره مند نمی شوند.

### 8- معضل اقلیت :

یکی از چالش های عمده برای مسلمانان جهان به ویژه برای بخشی از جوامع مسلمان موقعیت آنها به عنوان اقلیت های اجتماعی در میان کشورهای مختلف دنیا است. در حدود یک سوم مسلمانان جهان در کشورهای زندگی دارند که در اقلیت هستند. شماری از این جوامع اقلیت مسلمان در واقع مسلمانان مهاجر هستند که در کشورهای غربی به سر میبرند. اما بسیاری از اقلیت های مسلمان که شمارشان به صد ها ملیون میرسد ساکنان بومی کشورهای چون هندوستان، روسیه، اسرائیل، فلیپین، تایلند و تعدادی از کشورهای افریقایی هستند. در حالی که معضل اقلیت های اجتماعی مسلمانان در این کشورها متفاوت است، اما اقلیت های مسلمان در میان اکثریت بومی غیر مسلمان کشورهای خود درگیر تنگناها و دشواریهای روانی اند. مشکلات و چالش های حل نشده در دنیای اسلام از افتراق و تعارض درونی تا عقب ماندگی های سیاسی و اجتماعی و از ناتوانی های



اقتصادی و نظامی تا وابستگی به دنیای غرب معضل اقلیت های مسلمان را در جهان مضاعف میکند.

### 9- افراطیت و خشونت گرایی :

نابردباری، افراط گرایی و ستیزه جویی توأم با تروریسم چالش و معضل امروز دنیای اسلام، جوامع مسلمان و کشورهای اسلامی هر چند نه در تمام کشورهای اسلامی و جوامع مسلمان است. افراطیت دینی در این تعبیر پابندی شدید به احکام و فرامین عبادی و اجتماعی اسلام نیست. افراطیت دینی به معنی مخالفت و خصومت جریان های افراط گرای اسلامی با هر اندیشه و آیینی منهای اسلام مورد تعبیر و قرائت آنها است. حتا این خصومت شامل مسلمانان نیز می شود. زیرا آن گروه های مربوط به جریان افراطی که قرائت و برداشت خود را به عنوان اسلام حقیقی و راستین با توسل به خشونت و ترور می خواهند تطبیق کنند گروه های اسلامی ناهمسو با این قرائت را نیز مشمول تحمیل خشونت و کشتار میدانند.

عملیات انتحاری، خطر ناک ترین و مخوف ترین اقدام و عمل جریان های افراط گرای اسلامی شمرده میشود که در تاریخ اسلام کم سابقه و حتا بی سابقه است. هر چند جریان افراطگرا و گروه های مروج این عملیات در میان جریانهای اسلام گرایی اندک هستند و در افکار عامه مسلمانان و جوامع اسلامی از پایگاه و جایگاهی نیز برخوردار نیستند، اما بار منفی آنرا مسلمانان در اقصی نقاط جهان بدوش میکشند.

بیشترین قربانی عملیات انتحاری طالبان در افغانستان، پاکستان و گروه القاعده در این کشورها و کشورهای عربی عراق، یمن، سومالیا و غیره مسلمانان این کشورها اعم از کودکان، زنان و مردان بی گناه هستند.

نه تنها مسلمانان در کشورهای خود قربانیان اصلی عملیات انتحاری و تروریسم جریان تکفیری و افراطگرا میباشند، بلکه اقلیت های مسلمان در تمام کشورهای غیر اسلامی جهان تحت فشار دولت ها و افکار عامه قرار می گیرند. درحالی که عملیات انتحاری جریان افراط گرایی از چالش ها و معضلات امروز دنیای اسلام و به خصوص نهضت اسلامی است، اما دنیای اسلام و جریان اسلام گرایی تا کنون به راه حل عملی این معضل دست نیافته اند.

**ادامه دارد**